

پدافند غیر عامل و مردم

مبانی دفاع مردمی

Passive Defense and the People

Fundamentals of Public Defense

Author: Mohammad Hosseini Yeganeh

پدافند غیر عامل و مردم - مبانی دفاع مردمی

مهندس سید محمد حسینی یگانه

نویسنده:

مهندس سید محمد حسینی یگانه



انتشارات تک زوین
۶۶۲۸۶۱۳۸
www.kzp.ir



پدافند غیر عامل و مردم

مبانی دفاع مردمی

نویسنده: سید محمد حسینی یگانه

فهرست

۵	مقدمه
۸	خلاصه
۱۱	انتظار در برابر سلطه
۱۱	شکاف درآمد
۱۳	توزیع جهانی درآمد
۱۶	امنیت انرژی و اقتدار بین المللی
۲۱	دفاع مردمی
Error! Bookmark not defined.	تهدید چیست؟
۲۳	شاخص ایمنی
۲۵	پیشگیری از قفل کردن مهمات
۲۹	فریب
۲۹	نشانه های زمینی
۳۲	تجهیزات تصویری
۳۶	وضوح تصویر
۴۱	برنامه فریب
۴۷	اغتشاش

سیستم مکان یابی ماهواره ای ۴۷

روشهای ایجاد اغتشاش ۵۲

برنامه اغتشاش مردمی ۵۵

نتیجه گیری ۵۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ
إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ
وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

و در زبور بعد از ذکر نوشته ایم که بی تردید بندگان نیکوکارم بر زمین حاکم می شوند، قطعا در این موضوع فراخوانی برای گروه خدا پرستان است و ما ترا نفرستادیم مگر به عنوان بخشایشی برای جهانیان.

قرآن کریم، سوره مبارکه الانبیاء آیات کریمه ۱۰۵ تا ۱۰۷

پرودگار جهانیان، پادشاه آسمانها و زمین را ستایش می کنم و بر همه پیامبران (ع) و بر حضرت محمد (ص) و خاندان پاکشان (ع) و به ویژه حضرت مهدی (عج) پیشوای موعود، درود می گویم.

درباره نویسنده

نویسنده کتاب مهندس سید محمد حسینی یگانه، سال ۱۳۷۰ در رشته کنترل و ابزار دقیق از دانشگاه صنعتی شریف فارغ التحصیل شد. پروژه پایان نامه وی در زمینه هدایت و ناوبری موشک و اولین فعالیت شغلی وی در زمینه طراحی سیستم هدایت موشک سام ۷ بود.

از سال ۱۳۸۳ تا کنون به عنوان مدیر فنی و کارشناس تهدیدات و فریب در پروژه های طراحی مفهومی پدافند غیر عامل سیستم های حیاتی کشور حضور فعال داشته است. همچنین در زمینه برگزاری سمینارها و دوره های آموزشی پدافند غیر عامل در سیستمهای نفت و گاز سوابق همکاری دارد.

مقدمه

شاید شما هم از خود پرسیده باشید که:

- پدافند غیر عامل چیست؟
 - آیا مشارکت مردم در اقدامات پدافند غیر عامل ضرورت دارد؟
 - آیا برنامه ای برای مشارکت مردم وجود دارد؟
- گزینش عبارت "پدافند غیر عامل" تا حدودی سلیقه ای است چرا که در برخی کشورها بجای آن از عبارت "دفاع غیر نظامی" و در برخی دیگر نیز از عبارت "دفاع شهری" استفاده می شود. واژه "پدافند" یعنی دفاع و عبارت "پدافند غیر عامل" به معنی دفاع غیر مسلحانه است. قانون پدافند غیر عامل، اولین بار در سال ۱۳۸۳ در کشور ما مطرح شد^۱. در مقررات کشور ما، پدافند غیر عامل^۲ یعنی مجموعه اقدامات غیرمسلحانه ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیت ها، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می شود.^۳

اقدامات پدافند غیر عامل در بسیاری از جنگهای تاریخی استفاده شده است، اما به موازات پیشرفت تسلیحات نظامی، این اقدامات نیز پیوسته در حال تکامل و نوآوری هستند. تشریح ابعاد مختلف اقدامات پدافند غیر عامل، نیازمند تدوین کتاب دیگری است، که ان شاء الله در فرصت مناسب در این مورد اقدام خواهیم نمود. در این کتاب، ضمن تمرکز بر برنامه های مشارکت مردمی، اطلاعات قابل توجهی نیز در مورد ماهیت و کمبودهای پروژه های پدافند غیر عامل ارائه شده است.

دفاع مردمی^۴، شاخه ای از اقدامات پدافند غیر عامل است که مستقیماً به مردم غیرنظامی مربوط می شود. دفاع مردمی یکی از ارکان پایداری ملی در برابر تهدیدات نظامی مدرن است.

در فصل اول، خلاصه ای از کل مطالب کتاب را خواهید یافت.

در فصل دوم، به رویارویی گروه منتظران و عناصر نظام سلطه بر سر امنیت انرژی پرداخته می شود.

^۱ قانون برنامه چهارم توسعه مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳

^۲ پدافند غیر عامل یعنی دفاع نظامی و با استفاده از اقدامات مسلحانه صورت می گیرد.

^۳ بند (۱) سیاست های کلی نظام در خصوص پدافند غیرعامل کشور مصوبه مجمع مصلحت نظام مصوب سال ۸۶

^۴ البته برنامه های دیگری شامل نیازمندیهای مدیریت بحرانهای شهری نیز مطرح هستند که به دلیل طرح آنها توسط مسئولین مدیریت بحران کشور، در این کتاب مورد بحث قرار نمی گیرند.

در فصل سوم، با توجه به واقعیات موجود در دو طرف معادله تهدید و امنیت، در مورد نقاط ضعف پروژه های پدافند غیر عامل و ضرورت توجه به برنامه دفاع مردمی، بحث می کنیم. در فصلهای چهارم و پنجم پاسخ این سوال مطرح می شود که برنامه دفاع مردمی چیست؟ در این بخش از کتاب، مقدمات طراحی، ساخت و اجرای برنامه های فریب و اغتشاش به عموم خوانندگان با هر سطح تخصصی، ارائه می شود. نهایتاً نیز در فصل ششم، از مطالب فصول قبلی نتیجه گیری و مهمترین نیازمندیهای برنامه دفاع مردمی مطرح شده است.

بسیاری از محاسبات، استدلالهای علمی و کارشناسی و متون اصلی مراجع، از متن کتاب حذف شده اند. در غیر این صورت کتاب حاضر بسیار مطول و مباحث آن پیچیده و تخصصی می شد و از هدف اصلی یعنی مخاطب قرار دادن عموم مردم دور می شدم. فهرستی از برخی مراجع و منابع کتاب، در پایان فصلهای دوم تا پنجم معرفی می شوند. برای برخی از سرفصلهای اصلی بحث، کلید واژه هایی برای جستجو و آدرس چند سایت اینترنتی مفید ارائه شده است. امید است که برادران و خواهران گرامی ام پس از مطالعه، نقاط ضعف موجود در این کتاب را به این حقیر، هدیه کنند.

خلاصه

جهان در حالی هزاره سوم میلادی را آغاز کرد که توزیع ثروت در دهکده جهانی بسیار نامتعادل است، واقعیتی که صلح جهانی را به شدت تهدید می کند. از یک طرف در آمد نیمی از مردم جهان کمتر از روزی دو دلار است که بیشتر آنها در کشورهای آفریقایی و مسلمان زندگی می کنند. از طرف دیگر، مردم کشورهای مرفه که کمتر از یک دهم از جمعیت جهان هستند، بیش از روزی ۵۰۰ دلار درآمد دارند. این کشورها عناصر اصلی نظام سلطه سرمایه داری (امپریالیسم)، بزرگترین وارد کنندگان مواد نفتی و بزرگترین تولید کنندگان دانش و فن آوری جهان هستند. عناصر نظام سلطه، با تشکیل اتحادیه ناتو، قدرتمندترین نیروی نظامی تاریخ بشر را در اختیار دارند.

شکاف جهانی درآمد، تا دهه ۷۰ به حداکثر مقدار خود در تاریخ بشر رسید و سپس سیر نزولی آن آغاز شد و تا پایان هزاره دوم حدود ۱۰٪ کاهش یافت. اگر منابع انرژی کافی تامین می شد، تا سال ۲۰۵۰ توزیع درآمد جهانی به تعادل می رسید. اما واقعیت این است که از سال ۲۰۰۸ دوره زوال نفت آغاز شد^۵ و ظرفیت تولید نفت جهان در حال کاهش و شکاف جهانی درآمد، مجدداً در حال افزایش است. ظرف دو دهه آینده، پایه های اقتدار نظام سلطه، زیر فشار بحران زوال نفت فرو خواهد ریخت و لذا جهان در حال سپری کردن یک دوره گذار برای انتقال قدرت از غرب به شرق است و پیش بینی واکنشهای نظام سلطه در این دوره، بسیار پیچیده و شاید غیر ممکن باشد.

امروز کشورهای مرفه با استفاده از نیروی نظامی اتحادیه ناتو، برای کنترل منابع باقیمانده و خطوط انتقال نفت تلاش می کنند و موفقیت آنها به معنی تشدید شکاف جهانی درآمد است.

پیروان همه ادیان آسمانی منتظر قیام منجی بشریت (عج) هستند تا عدالت را در سراسر کره زمین برقرار کند. شکوفایی اقتصادی و رفع شکاف جهانی درآمد نیازمند تامین امنیت انرژی است. بدیهی است که در شرایط موجود، برای تامین منابع انرژی، باید به دو هدف دسترسی یابیم:

- امنیت توزیع نفت، یعنی حفاظت از منابع موجود و خطوط انتقال نفت در برابر هجوم همه جانبه کشورهای مرفه و به منظور توزیع نفت باقی مانده بر اساس یک برنامه دقیق برای رشد صنعتی جهانی

^۵ زوال نفت، یعنی همه منابع نفت جهان بجز منطقه خاورمیانه، در سرازیری پایان هستند. اما هیچ یک از منابع انرژی دیگر نمی توانند جایگزین نفت باشند.

- توسعه منابع انرژی نوین، یعنی ایجاد منابع جدید انرژی برای جایگزینی با نفتی که در حال زوال است به منظور تامین انرژی مورد نیاز برای ادامه روند رشد صنعتی جهانی و رسیدن به تعادل درآمد بین همه ملتها.

فقط عراق، ایران، کویت، امارات متحده عربی، قطر و عربستان ظرفیت تولید نفت کافی برای ایجاد جهش توسعه منابع نوین انرژی را در اختیار دارند و حدود ۹۰٪ از صادرات نفتی این کشورها از آبراه تنگه هرمز منتقل می شوند. در نتیجه تنگه هرمز، گلوگاه اصلی امنیت انرژی جهان است. امروز امنیت تنگه هرمز مستقیماً تحت تسلط کشور ما ایران است. اما شواهد نشان می دهند که عناصر نظام سلطه و به ویژه آمریکا، انگیزه و آمادگی ماجراجویی نظامی برای تسلط بر تنگه هرمز را دارند.

ظرف بیست سال گذشته، اتحادیه ناتو در پنج عملیات تهاجمی بزرگ در کشورهای یوگوسلاوی، عراق، افغانستان و کوزوو و با میانگین زمانی ۲۴ روز به پیروزی نظامی رسیده است.^۶ مهمات هدایت شونده، مهم ترین نقطه قوت اتحادیه ناتو در حمله به اهداف حیاتی هستند. مهمات هدایت شونده، اگر بر روی نقطه هدف قفل کنند، بسیار دقیق هستند و در غیر اینصورت، هیچ فرقی با سایر مهمات ندارند.

هدف اصلی برنامه های دفاع مردمی، پیشگیری از قفل کردن مهمات بر روی اهداف حیاتی کشور است. عدم بهره برداری از ظرفیتهای دفاع مردمی، اشتباهی است که رهبران یوگوسلاوی، عراق، افغانستان و کوزوو مرتکب شدند و به همین دلیل نتوانستند از فروپاشی سیستم دفاعی کشور خود جلوگیری کنند.

فعالتهای مورد نیاز برای پیشگیری از قفل کردن مهمات، در دو برنامه فریب و اغتشاش خلاصه می شوند:

- فریب در کاهش وضوح نشانه های زمینی،
 - اغتشاش در سیگنالهای سیستم مکان یابی ماهواره ای^۷،
- اجرای برنامه های فریب و اغتشاش، نیازمند فعالتهای سریع، موثر و فراگیر بوده و بدون بهره برداری از ظرفیتهای دفاع مردمی قابل دسترس نیستند.

^۶ هر چند که اشغال نظامی افغانستان در سال ۲۰۰۲ و عراق در سال ۲۰۰۳ یک پیروزی همه جانبه و مطلق محسوب نمی شود، اما منظور نویسنده از پیروزی نظامی، فروپاشی سیستم دفاعی و شکست پایداری ملی یک کشور است.

^۷ GPS, GLONASS & GALILEO

شاید هیچ درگیری نظامی بین اتحادیه ناتو و ایران به وقوع نپیوندد، اما اگر چنین تهدیدی شکل بگیرد، بی تردید بدون استفاده از دفاع مردمی، نمی توان در برابر آن مقاومت کرد. مهمترین ویژگیهای برنامه های دفاع مردمی عبارتند از:

- بصورت محلی، با برنامه ای فشرده، پویا و انعطاف پذیر اجرا می شوند
- بدون استفاده از ظرفیتهای مردمی بومی و محلی قابل اجرا و اقتصادی نیستند
- بصورت مستقل از سایر پروژه های پدافند غیر عامل^۸ اجرا می شوند
- باعث پیشگیری از کشف و هدفگیری اهداف حیاتی کشور می شوند
- شاخص ایمنی کشور را تا ۵ برابر افزایش می دهند.

^۸ بر اساس قوانین و مقرارت دولتی، کلیه سیستمهای حیاتی کشور باید اصول و مبانی پدافند غیر عامل را به اجرا در آورند.

انتظار در برابر سلطه

کمتر از ۱۰٪ جمعیت زمین که در کشورهای مرفه زندگی می کنند، بیش از ۸۵٪ کل درآمد جهان را بخود اختصاص داده اند. رشد شکاف جهانی درآمد، از حدود دو قرن پیش آغاز شده و تا اواخر قرن بیستم به حداکثر مقدار خود در تاریخ رسید. اگر منابع انرژی کافی تامین شود، احتمالاً تا سال ۲۰۵۰ توزیع درآمد جهانی به تعادل می رسد. اما ظرفیت تولید نفت جهان در حال کاهش و شکاف جهانی مجدداً در حال افزایش است. اگر همین وضعیت ادامه یابد، جهان به سمت فروپاشی نظام های اقتصادی و هرج و مرج بین المللی ناشی از آن خواهد رفت، واقعیتی که نشانه های آنرا هم اکنون بصورت ورشکستگی اقتصاد کشورها و کاهش شاخص صلح جهانی مشاهده می کنیم.

در حالیکه کشورهای مرفه و به ویژه آمریکا، ظرف دو دهه آینده با توفانهای اقتصادی بسیار شدیدی روبرو خواهند شد، درآمد ارزی کشورهای خاورمیانه بصورت تصاعدی افزایش خواهد یافت.

امروز مسئله امنیت انرژی، محور اصلی موضع گیری ها در سیاست خارجی و نظامی کشورها است و در آینده نیز محوریت آن همچنان تثبیت خواهد شد. خلیج فارس و به ویژه تنگه هرمز مهم ترین و بحرانی ترین نقطه جهان و کانون توجه همه دولتها و به ویژه عناصر نظام سلطه است. ماجراجویی های نظامی اتحادیه ناتو و در راس آن ارتش آمریکا، امنیت تنگه هرمز را به شدت تهدید می کند و به همین دلیل، بزرگترین تهدید برای آینده بشریت و صلح جهانی محسوب می شود.

شکاف درآمد

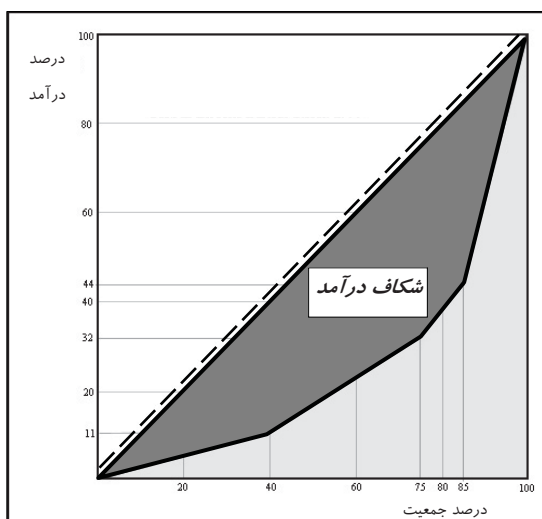
شکاف درآمد یا شاخص نابرابری رفاه، همواره مقداری بین صفر و ۱۰۰٪ دارد و نشان دهنده توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات رفاهی در یک جامعه می باشد. هر قدر که شکاف طبقاتی در یک جامعه

بیشتر باشد، شاخص نابرابری آن به عدد ۱۰۰٪ نزدیکتر می شود و بالعکس هر قدر که توزیع ثروت عادلانه تر باشد، شاخص نابرابری به صفر نزدیکتر می شود.

توزیع رفاه در یک خانواده

یک خانواده چهار نفره را در نظر بگیرید که کل درآمد روزانه آنها یک صد هزار تومان و توزیع درآمد در بین افراد خانواده بصورت زیر است:

- ۷۰٪ از درآمد متعلق به پدر با دریافتی ۷۰۰۰۰ تومان
- ۲۰٪ از درآمد متعلق به مادر با دریافتی ۲۰۰۰۰ تومان



شکل ۱ نمودار توزیع درآمد و رفاه در مثال خانواده

تومان

- ۱۰٪ از درآمد متعلق به فرزند بزرگ، با دریافتی ۱۰۰۰۰ تومان
- فرزند کوچک، در حال تحصیل است و هیچ درآمدی ندارد.

تبادل و نابرابری

توزیع یکنواخت یعنی شرایطی که همه درآمدها در جهت رفاه عمومی اعضای خانواده مانند مسکن، اثاثیه منزل، امکانات رفاهی، تحصیلات و تغذیه مصرف شود. در اینصورت کل درآمد بصورت مساوی در بین همه افراد خانواده تقسیم می شود و اگر نمودار توزیع درآمد خانواده را ترسیم کنیم، بصورت خط چین در شکل فوق خواهد بود.

توزیع نابرابر یعنی شرایطی که در آمد هر یک از اعضای خانواده فقط برای تامین رفاه خودش مصرف شود. در اینصورت توزیع نابرابر درآمد باعث ایجاد شکاف می شود. اگر نمودار توزیع درآمد خانواده را ترسیم کنیم، بصورت منحنی با خط پر رنگ در شکل فوق خواهد بود.

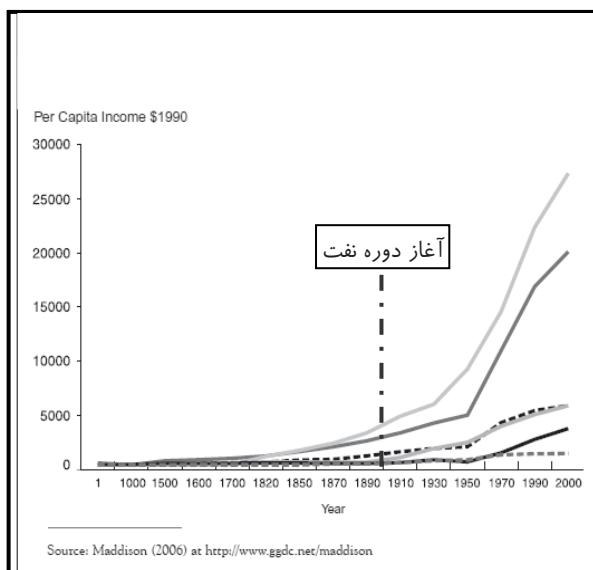
فاصله بین توزیع یکنواخت و توزیع نابرابر، سطح

شکاف نامیده می شود که در مورد این خانواده، میزان شکاف درآمد نزدیک به ۵۰٪ است.

فرآیند صنعتی شدن

تا قبل از انقلاب صنعتی در حدود سالهای ۱۸۰۰ میلادی اقتصاد جهان بر پایه کشاورزی شکل گرفته و توزیع درآمد^۹ در بین همه ملتها تقریباً یکنواخت بود. ظرف ۱۵۰ سال گذشته، سالانه چند درصد رشد درآمد سرانه جهانی مشاهده شده که با فرآیند جهانی شدن و پیچیدگی روزافزون اقتصاد بین الملل، همراه بوده است. در وضعیت فعلی، درآمد ملتهای صنعتی خیلی بیشتر از ملتهای کشاورز است. در حال حاضر

شکاف جهانی حدود ۶۳٪ است، این میزان معادل^{۱۰} با شکاف طبقاتی در کشورهای آفریقایی فقیر و عقب افتاده می باشد.



شکل ۲ نمودار رشد درآمد مردم در کشورهای مرفه (خطوط پررنگ) و فقیر (خط چینها) از سال یک تا ۲۰۰۰ میلادی

^۹ درآمد سرانه همان شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP (Gross Domestic Product است. سرانه تولید ناخالص داخلی شاخص ارزیابی وضعیت اقتصاد یک کشور است. تولید ناخالص داخلی در برگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوران معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می شود. کالاها و خدمات نهایی، در انتهای زنجیر تولید قرار گرفته اند و خود آنها برای تولید و خدمات دیگر خریداری نمی شوند.

رشد صنعتی به معنی افزایش سهم بخش صنعت در اقتصاد کشورها و عامل اصلی افزایش درآمد است. پس از انقلاب صنعتی، برخی از ملتها مانند آمریکا و اروپا، روند صنعتی شدن را آغاز کردند ولی ملتهای آفریقایی هنوز هم در اقتصاد کشاورزی بسر می‌برند. در نتیجه هم اکنون درآمد سرانه کشورهای مرفه بیش از ۱۵ برابر ملتهای فقیر آفریقایی است.

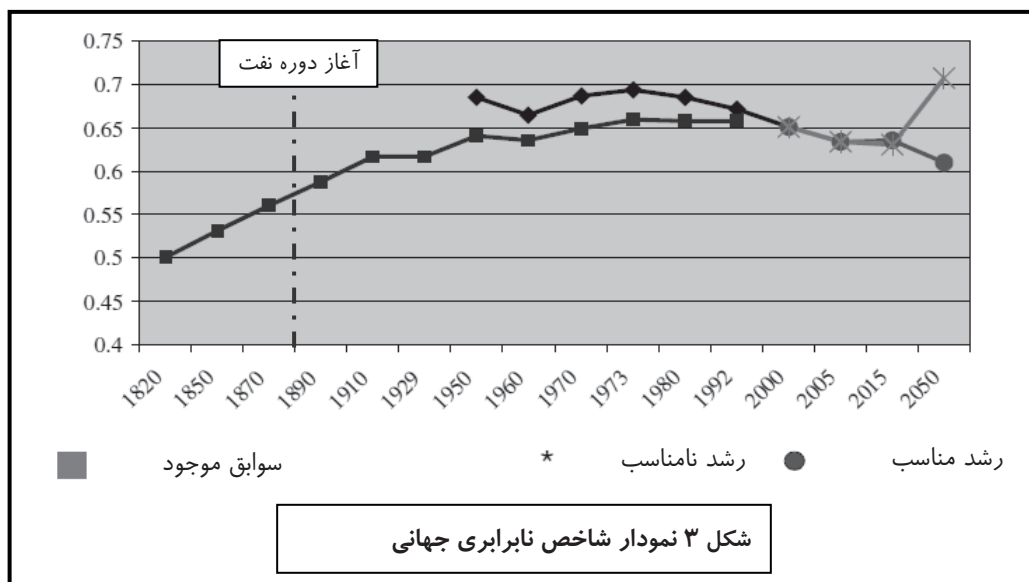
از سال ۱۹۶۰ ملتهای آسیایی، آمریکای جنوبی و اروپای شرقی نیز روند صنعتی شدن را آغاز کرده و در حال حاضر درآمد آنها بیش از ۲ برابر آفریقا است.

توزیع جهانی درآمد

در آغاز هزاره سوم میلادی، مجموع کل دارائی‌های جهان حدود ۱۲۵ تریلیون دلار و جمعیت جهان در حدود ۷ میلیارد نفر برآورد شده است.

طبق گزارش انستیتوی تحقیق و توسعه اقتصادی جهان وابسته به دانشگاه ملل متحد^{۱۱}، وضعیت توزیع ثروت در بین مردم جهان، بصورت زیر است:

- ۸۵٪ از ثروت برای ۱۰٪ از جمعیت جهان
- ۱۴٪ از ثروت برای ۴۰٪ از جمعیت جهان
- ۱٪ از ثروت برای ۵۰٪ از جمعیت جهان
- ۴۰٪ از ثروت برای ۱٪ از جمعیت جهان



همگرایی یا واگرایی

مشاهده شده است که انگیزه و تلاش ملتهای فقیر برای صنعتی شدن و افزایش درآمد، خیلی بیشتر از ملتهای مرفه است. اگر منابع انرژی مورد نیاز رشد صنعتی^{۱۲} تامین شوند،

^{۱۰} http://www.worldgameofeconomics.com/Global_Inequality.html

^{۱۱} World Institute for Development Economics Research at United Nations University

^{۱۲} از آنجا که جمعیت مردم همواره در حال افزایش است، بطور کلی، دولتها و ملتها کوچکترین تغییری در نرخ رشد درآمد سرانه خود را کاملا احساس می‌کنند. این موضوع حکایت از یک واقعیت مهم می‌کند که وضعیت اقتصادی یک ملت حساسیت زیادی نسبت به تغییرات اندک در نرخ رشد درآمد دارد.

شکاف درآمد کاهش خواهد یافت و همگرایی^{۱۳} پدید می آید. در دهه ۱۹۷۰ شکاف جهانی به حداکثر میزان خود یعنی ۷۰٪ رسید. اما در سالهای بعد تحت تاثیر پدیده همگرایی، حدود ۱۰٪ کاهش یافته و در حال حاضر به حدود ۶۳٪ رسیده است. اگر همگرایی ادامه یابد^{۱۴}، انتظار می رود که تا پایان قرن بیست و یکم، شکاف درآمد به وضعیت خود در اوایل انقلاب صنعتی برگشته و توزیع ثروت جهانی، به تعادل خواهد رسید. اگر منابع انرژی مورد نیاز برای رشد صنعتی ملتهای فقیر تامین نشوند، شکاف درآمد به شدت افزایش یافته و واگرایی^{۱۵} پدید می آید. آخرین ارزیابی های کارشناسان، آغاز شکل گیری پدیده واگرایی را نشان می دهند. پیش بینی می شود که در صورت تداوم واگرایی، تا نیمه قرن بیست و یکم، شکاف جهانی^{۱۶} درآمد از مرز ۷۰٪ بگذرد به مقدار آن در کشور نامیبیا خواهد رسید^{۱۷}. وضعیتی که صلح و امنیت جهان را به شدت تهدید خواهد کرد. به عبارت دیگر، دهکده جهانی، بیش از هر چیزی شبیه به یک جامعه آفریقایی فقیر، عقب افتاده و درگیر جنگهای داخلی است که بجای پیشرفت و گسترش عدالت در حال پسرفت و افزایش شکاف می باشد.

نفت و انرژی

میزان درآمد یک ملت مستقیماً متناسب با میزان مصرف انرژی می باشد^{۱۸}. به همین دلیل است که سرانه مصرف انرژی در کشورهای پیشرفته صنعتی حدود ۹ برابر کشورهای آفریقایی است. در نتیجه بدیهی است که مهم ترین منبع مورد نیاز برای افزایش درآمد ملتها، انرژی است. بیشتر از ۵۰٪ از انرژی مصرفی جهان از طریق نفت^{۱۹} تامین می شود.

جدول ۱ وضعیت موجود و پیش بینی سهم نفت در تامین انرژی

	۲۰۰۷	۲۰۳۰
نفت	۵۵	۵۱
ذغال سنگ	۲۷	۲۹

^{۱۳} Convergence

^{۱۴} The Evolution of the World Income Distribution, by KEITH SILL

^{۱۵} Divergence

^{۱۶} Gini coefficient

^{۱۷} The Global Distribution of Income in ۲۰۵۰, EVAN HILLEBRAND, University of Kentucky, USA

^{۱۸} سرانه مصرف انرژی، یعنی کل مصرف سالانه انرژی در یک کشور تقسیم بر تعداد کل جمعیت آن کشور و شاخص ارزیابی سطح رفاه اجتماعی است.

^{۱۹} در این کتاب منظور از نفت، هر یک از سوختهای هیدروکربنی شامل نفت خام، میعانات گازی، محصولات سبک و سنگین پالایشگاهی، گاز مایع یا گاز طبیعی می باشد. البته مرسوم نیست که گاز طبیعی را در قالب محصولات نفتی منظور نمایند، اما فعلاً به دلیل اهدافی که در آینده مباحث این کتاب دنبال می شوند، این موضوع تاثیری در نتیجه گیری ها نخواهد گذاشت.

سایر ^{۲۰}	۱۹	۲۰
--------------------	----	----

فعالیت‌های حیاتی یک ملت، شامل برق، حمل و نقل و صنعت می‌شوند و حدود ۷۵٪ از مصرف نفت جهان به فعالیت‌های حیاتی اختصاص دارد.

جدول ۲ سهم نفت در تامین انرژی مورد نیاز برای فعالیت‌های حیاتی

مصرف نفت (%)	
برق	۱۹
حمل و نقل	۳۴
صنعت	۲۰
سایر ^{۲۱}	۲۶

نفت در قرن بیستم، ارزان‌ترین و فراوان‌ترین انرژی در جهان بود و ساختار اقتصادی جهان بر پایه نفت بنا شده است و لذا می‌توان نرخ رشد درآمد را با نرخ رشد مصرف نفت، نمایش داد.

زوال نفت

در سپتامبر سال ۲۰۰۱ گزارش محرمانه‌ای از طرف مرکز تحلیل زوال نفت^{۲۲}، به دفتر نخست وزیر وقت انگلیس، تونی بلر رسید. در این گزارش، پیش‌بینی شده بود که:

- دنیا با مشکلات تامین مواد نفتی شدیدی روبرو خواهد شد و هم‌اکنون، سیستم جهانی تامین نفت در یک ریسک سیاسی قرار دارد.
- خروجی نفت جهان بزودی سقوط خواهد کرد و تاریخ آن فقط به ظرفیت ذخایر خاور میانه وابسته است.

• گزینه‌هایی مانند نفت سنگین، ذغال سنگ و انرژی هسته‌ای نمی‌توانند جایگزین نفت بشوند. این پیش‌بینی کاملاً درست بود^{۲۳} و از سال ۲۰۰۸ روند افزایش قیمت نفت آغاز شد. اکنون که در سال ۲۰۱۲ این متن را می‌نویسم، میزان عرضه نفت از تقاضای آن کمتر است.

سوال بزرگ

امروز، شکاف درآمد ملت‌های فقیر و ملت‌های مرفه، غیر قابل تحمل است و برای پیشگیری از افزایش آن باید تولید انرژی نیز افزایش یابد.

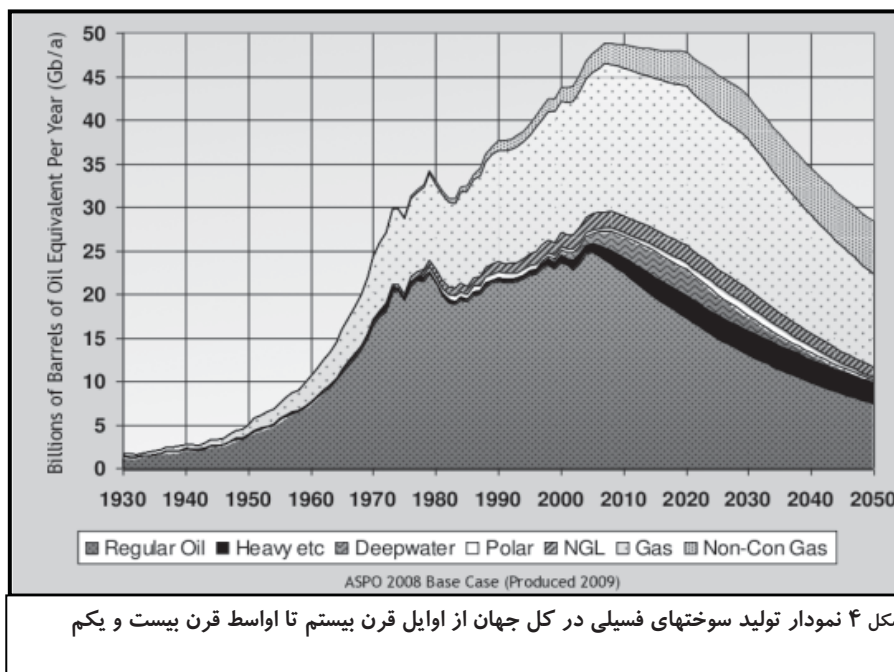
^{۲۰} شامل انرژی هسته‌ای، آب، خورشید، باد، حرارت زمین، موج دریا، بیوانرژی و سایر انواع انرژی که به منظور تولید برق یا گرما بکار می‌روند.

^{۲۱} شامل خدمات، شهری، کشاورزی و سایر مواردی که در محاسبات منظور نشده‌اند.

^{۲۲} Oil Depletion Analysis Center

^{۲۳} البته دولت آمریکا، دو سال قبل از انگلیس و در سال ۱۹۹۹ چنین پیش‌بینی را انجام داده بود. تا قبل از اشغال نظامی افغانستان و عراق (یعنی سال ۲۰۰۳ میلادی) هیچ‌یک از این اظهار نظرها، به صحنه افکار جمعی مردم انگلیس یا آمریکا وارد نشدند.

اقتصاد جهان که ظرف ۵۰ سال گذشته ساخته شده است، بر روی نفت فراوان و ارزان تکیه دارد و اگر این تکیه گاه را بردارید، اقتصاد جهان فرو می پاشد.^{۲۴} امروز همه مردم جهان می بینند که چگونه افزایش قیمت نفت باعث ورشکستگی ملت‌هایی چون یونان،



اسپانیا، ایتالیا و حتی خود آمریکا می شود. در حالی که منابع انرژی‌های جدید هنوز آنقدر توسعه نیافته اند که بتوانند جایگزین مناسبی برای نفت باشند، فقط یک راه برای ایجاد همگرایی و نجات آینده بشریت وجود دارد: افزایش جهشی منابع انرژی نوین هسته‌ای، خورشیدی، بادی، آبی، بیوانرژی، حرارت زمین، امروز همه پیشگامان صنعت جهان، برای تامین نفت مورد نیاز خود با مشکل مواجه هستند و بحران‌های بسیار جدی تری را در آینده نزدیک، پیش رو دارند. لذا هیچیک از کشورهای مرفه صنعتی و کشورهای در حال رشد شرقی (مانند چین، هند، ژاپن) در موقعیتی نیستند که بتوانند برنامه‌های جهش انرژی را به اجرا در آورند.

اگر جهش انرژی بوجود بیاید، اقتصاد جهان به سمت همگرایی خواهد رفت و در غیر اینصورت، واگرایی و افزایش شکاف درآمد، جهان را به ورطه فروپاشی اقتصادی می کشاند.

امنیت انرژی و اقتدار بین المللی

در چنین شرایطی بدیهی است که موضوع امنیت انرژی مهمترین عامل تعیین کننده سیاست‌های نظامی و بین المللی دولتهاست. به عبارت دیگر هر ملتی که سهم بیشتری در تامین امنیت منابع و خطوط انتقال نفت داشته باشد، موقعیت راهبردی مطمئن تر و آزادی عمل بیشتری در سطح بین المللی خواهد داشت.

^{۲۴} کنت پولاک، کارشناس خاورمیانه شورای امنیت ملی آمریکا

موقعیت راهبردی

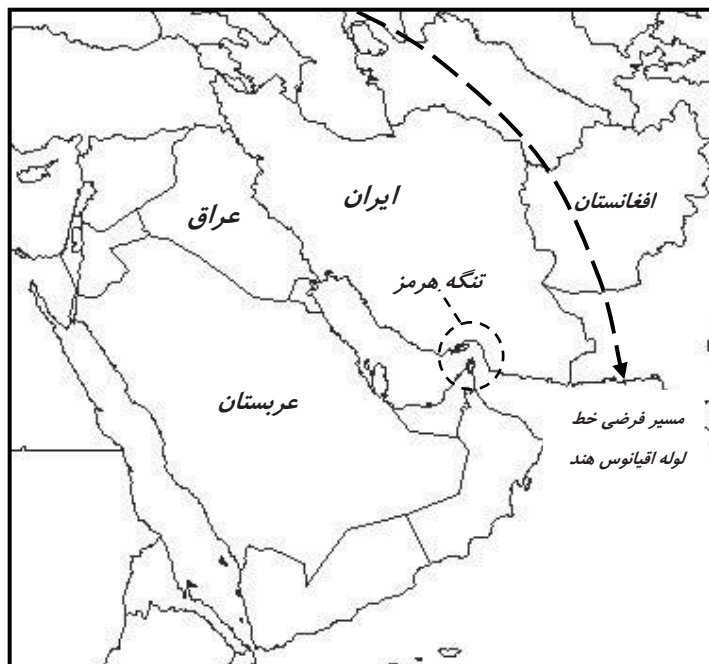
می خواهیم با یک مثال ساده مفهوم موقعیت راهبردی را روشن کنیم. پس از اشغال افغانستان توسط اتحادیه ناتو در سال ۲۰۰۲، آمریکا و متحدانش در سال ۲۰۰۳ عراق را اشغال کردند. مطالعات دولت آمریکا نشان می دهند که بیشترین ذخایر نفتی کشف نشده جهان در کشور عراق بوده و حجم آنها را ۴۳۲ هزار میلیون بشکه برآورد کرده اند.

قبل از آغاز جنگ عراق، دولت این کشور قراردادهای طولانی مدتی را در زمینه توسعه میدانهای نفتی با روسیه، فرانسه و چین امضاء کرده بود. همچنین آمریکا از پشتیبانی شورای امنیت و سازمان ملل برخوردار نبود و فرانسه، آلمان، روسیه و چین آشکارا با آغاز جنگ بر علیه عراق مخالفت کردند. اما نهایتاً هیچیک از این مخالفتها باعث نشد که آمریکا رفتار خود تغییر دهد.

براستی چرا این ریسک بزرگ منجر به تحریم یا جریمه ای برای آمریکا نشد؟

تسلط مستقیم آمریکا بر خط لوله آسیای میانه، مانع از درگیر شدن چین، ژاپن، روسیه، هند و سایر دولتهای آسیای شرقی با آمریکا می شد.

اشغال افغانستان باعث رشد بودجه نظامی آمریکا تا شش صد میلیارد دلار شد. بخشی از این بودجه صرف ایجاد حلقه پایگاه های دائمی نظامی آمریکا از ازبکستان تا افغانستان و قرقیزستان و تسلط مستقیم بر خط انتقال نفت آسیای میانه به اقیانوس هند می شود. خط لوله ای که منابع بسیار بزرگ نفت کشورهای حوزه دریای خزر را به آسیای شرقی سرازیر می کند و البته هنوز احداث نشده است. خط لوله ای که از ترکمنستان، افغانستان و پاکستان می گذرد و به اقیانوس هند می رسد تا بتواند بازار تشنه



شکل ۵ نمایی از خاورمیانه، تنگه هرمز و مسیر فرضی خط لوله اقیانوس هند

ژاپن، چین و هند را تغذیه کند. تنها مانع موجود بر سر راه این خط لوله، سلطه نظامی طالبان بر مسیر آن بود و در ماه فوریه سال ۲۰۰۲ افغانستان به اشغال نظامی ناتو در آمده و طالبان حذف شد. با توجه به پایگاه های نظامی متعددی که در حال ساخت هستند، این موقعیت، اکنون در حال انحصاری شدن برای نیروهای آمریکایی است.

این مهم نشان می دهد که موقعیت راهبردی

در تسلط بر خطوط انتقال نفت، چگونه می تواند عامل بازدارندگی مخالفین شده و برای

یک کشور آزادی عمل ایجاد کند.

انگیزه سلطه

پیش بینی زوال نفت، نه تنها انگیزه اصلی اشغال پر مخاطره عراق بود بلکه توضیح روشنی برای تمامی فعالیت‌های نوظهور سیاست خارجی آمریکا از سواحل غربی آفریقا تا لیبی و سودان، از کلمبیا و ونزوئلا تا روسیه و گرجستان و همچنین باکو و افغانستان می باشد.

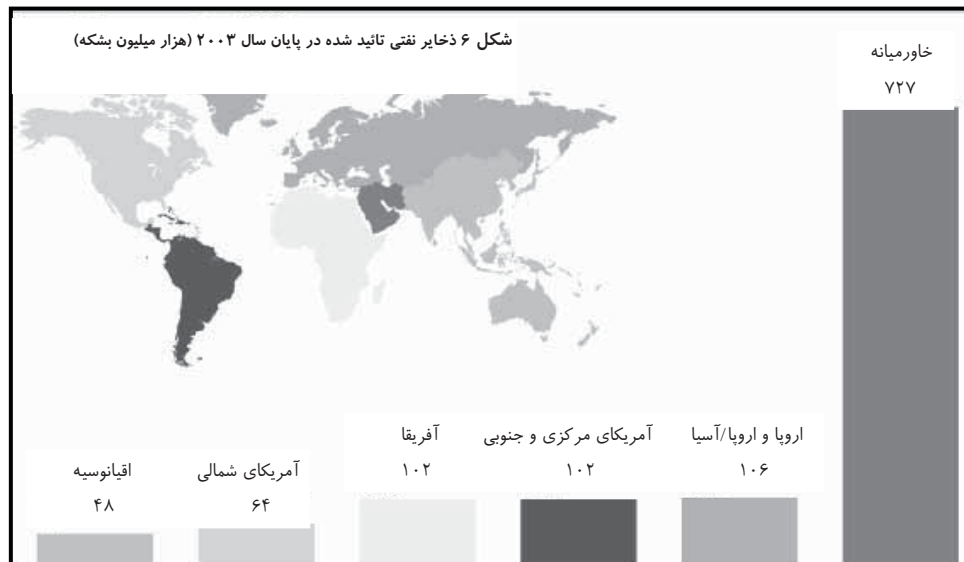
در آغاز هزاره سوم، استراتژی امنیت انرژی آمریکا، اینگونه نوشته شده بود:

"تاکید اصلی بر این است که تمام موانع سیاسی، اقتصادی، قانونی و تدارکاتی موجود بر سر راه واردات نفتی روزافزون آمریکا از کشورهای دیگر، برداشته شوند."

پنتاگون این ایده را، تسلط همه جانبه^{۲۵}، نامگذاری کرده است و معنی آن این است که آمریکا باید هر گونه پیشرفت نظامی، اقتصادی و سیاسی در هر نقطه از جهان را کنترل کند.

اهمیت تنگه هرمز

اهمیت راهبردی کشورهای خاورمیانه، ظرف چند سال آینده بصورت مضاعف افزایش می یابد. منطقه خاورمیانه دارای بیشترین حجم از مواد نفتی بوده و تنگه هرمز در خلیج فارس مهمترین گذرگاه حمل و توزیع نفت در جهان می باشد.



تقریباً ۹۰٪ از نفت تولید شده توسط صادرکنندگان بزرگ، از مسیر تنگه هرمز و توسط کشتی های نفت کش به نقاط مختلف جهان حمل می شود. تنگه هرمز تقریباً ۱۸۰ کیلومتر طول و ۴۵ کیلومتر عرض دارد و پهنای مسیر قابل کشتی رانی آن حدود ۱۰ کیلومتر است. کشور ایران در شمال و کشور عمان در

^{۲۵} Full Spectrum Dominance

جنوب تنگه قرار گرفته اند و فاصله مرزی ایران کمتر است. به علاوه اینکه جزایر استراتژیک تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی و قشم، تسلط ایران بر این مسیر را افزایش می دهند. تنگه هرمز بحرانی ترین نقطه جهان شمرده می شود و حساسیت آن نیز رو به افزایش است.

سال میلادی						
۲۰۳۰	۲۰۲۵	۲۰۲۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۸	
۳۷.۲	۳۳.۶	۲۹.۲	۲۵.۳	۲۱.۲	۲۰.۰	نفت معادل تنگه (میلیون بشکه در روز)
%۳۵	%۳۳	%۳۰	%۲۷	%۲۴	%۲۰	سهم تنگه از نفت جهان

جدول ۳ سهم جهانی صادرات نفت تنگه هرمز تا سال ۲۰۳۰ میلادی با منظور کردن خطوط انتقال جایگزین

آینده اقتدار ایران

تسلط مستقیم ایران بر امنیت تنگه هرمز، ارزشمندترین موقعیت راهبردی در تمامی کره زمین است. آمریکا و متحدان او، سالهاست که آرزوی تسلط بر این گلوگاه انرژی را در سر می پروراندند و تاکنون صدها میلیارد دلار برای تحقق آن هزینه کرده اند اما خداوند مهربان این نعمت بسیار بارزش را به ملت ایران هدیه داده است. با توجه به موقعیت راهبردی تنگه هرمز، نمودار تقریبی کاهش اقتدار نظام سلطه و افزایش اقتدار ایران در سطح بین المللی بصورت زیر بدست می آید.

حساسیت تنگه هرمز در دراز مدت، آنقدر زیاد خواهد شد که اقتصاد جهان حتی یک روز توقف آنرا تحمل نخواهد کرد. لذا با نزدیک شدن به دهه ۲۰۲۰-۲۰۳۰، حساسیت تنگه هرمز آنقدر افزایش یافته است که هیچ قدرتی نخواهد توانست آرامش آنرا بر هم زند و این زمان، دوره ثبات و اقتدار مطلق ایران در عرصه بین المللی است.

نمودار فوق به ما می گوید که در کوتاه مدت، در چند سال باقیمانده دهه ۲۰۱۰-۲۰۲۰ توجه دولتها و قدرتهای نظامی منطقه ای و بین المللی به تنگه هرمز، روز به روز افزایش یافته و ترکیب بسیار پیچیده ای از عوامل غیر قابل پیش بینی بوجود می آورد. لذا باید منتظر پدیده هایی باشیم که تحت تاثیر افزایش شتابان حساسیت های تنگه هرمز، برای هیچ کس قابل پیش بینی نخواهد بود.

ایران پایگاهی برای نجات بشریت

تامین امنیت توزیع نفت و توسعه منابع انرژی نوین، طبیعتاً منجر به ایجاد تعادل درآمد جهانی خواهد شد. لذا منجی بشریت (عج) برای حذف شکاف درآمد، قطعاً دو برنامه اصلی را پیاده خواهد کرد:

- امنیت توزیع نفت، یعنی حفاظت از منابع موجود و خطوط انتقال نفت در برابر هجوم همه جانبه کشورهای مرفه و به منظور توزیع نفت باقی مانده بر اساس یک برنامه دقیق برای رشد صنعتی جهانی

- توسعه منابع انرژی، یعنی ایجاد منابع جدید انرژی برای جایگزینی با نفتی که در حال زوال است به منظور تامین انرژی مورد نیاز برای ادامه روند رشد صنعتی جهانی و رسیدن به تعادل درآمد بین همه ملتها.

کشور ایران دارای برترین موقعیت راهبردی در امنیت انرژی جهان و یک پایگاه ایدآل برای منجی موعود بشریت (عج) است. تنها از این پایگاه می توان برنامه های امنیت، توسعه و توزیع انرژی جهان را به اجرا در آورد.

امروز کشورهای مرفه، با همه توان تبلیغاتی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی خود، ایران را تهدید می کنند. اگر کشورهای مرفه بتوانند با تضعیف و شکست ایران، تسلط خود را به تنگه هرمز تثبیت کنند، فروپاشی فرهنگ و اقتصاد ملتهای جهان، قطعی است. در نتیجه، تهدید ایران تنها یک موضوع امنیت ملی نیست بلکه تهدیدی برای کل جهان است. هرکس با هر عقیده با هر مذهب و با هر ملیتی، اگر قلبش برای نجات جامعه جهانی از فروپاشی می تپد، باید تا زمان قیام منجی بشریت (عج) برای ایمنی این پایگاه مقدس تلاش کند.

مراجع و منابع

۱. The Impact of Higher Oil Prices on the Global Economy/ Research Department of INTERNATIONAL MONETARY FUND/ December ۸, ۲۰۰۰
۲. World Economic Outlook Slowing Growth, Rising Risks / International Monetary Fund / September ۲۰۱۱
۳. A Century of War Anglo-American Oil Politics and the NOW/ William Engdahl/ ۲۰۰۴
۴. World Energy Outlook / International Energy Agency EIA/ ۲۰۰۹
۵. Closing Time Assessing the Iranian Threat to the Strait of Hormuz/ Caitlin Talmadge
۶. What An Increase In Oil Price Means For Global Economic Growth/ Chris Mack / October ۲۴, ۲۰۱۰
۷. The Progressive Approach: Energy/| National Security Network
۸. The Global Energy Race and Its Consequences (Part ۱)/ Michael T. Klare, Tom Dispatch/ January ۱۴, ۲۰۰۷
۹. On the cusp of collapse: Complexity, energy & the globalised economy/ David Korowicz/ Oct ۱۰ ۲۰۱۱

دفاع مردمی

تهدید یعنی ترسانیدن از وقوع یک خطر بالقوه، خطری که ممکن است هیچگاه بوقوع نپیوندد. همه ما وقتی که در مورد جدی بودن یک تهدید می اندیشیم، ابتدا به احتمال وقوع خطر و سپس به مقدار خسارت ناشی از آن توجه می کنیم و از خود می پرسیم:

- چقدر احتمال دارد که این خطر به وقوع بپیوندد؟ آیا می توانم از وقوع آن پیشگیری کنم؟
- اگر این خطر به وقوع پیوست، چقدر خسارت می بینم؟ آیا می توانم خسارت آنرا کاهش دهم؟

ای برادران و خواهران، امنیت ملی ایران گوهر گرانبهائی است که در خانه های ما به امانت گذاشته شده است. آیا می توانید نگران ایمنی پایگاه نجات بشریت نباشید؟

آیا می دانید که مقابله با تهدیدات جنگهای مدرن با تکیه بر توانایی های مردمی و مشارکت گسترده در دفاع غیر نظامی مطمئن ترین راه در پیش روی منتظران است؟

دفاع مردمی، برنامه ای برای مشارکت مردم در دفاع غیرنظامی و یکی از شاخه های اصلی پدافند غیر عامل است. دفاع مردمی یعنی استفاده بهینه از دانش، تخصص، امکانات و توانایی های افراد و جمعیت های انبوه داوطلب در جهت تشدید نقاط ضعف تجهیزات پیشرفته دشمن.

برنامه های دفاع مردمی فقط به فعالیتهای مربوط می شوند که از محدوده پروژه های پدافند غیر عامل اهداف حیاتی خارج هستند. در برنامه های دفاع مردمی، افراد داوطلب در گروه ها و دسته های کوچک و بزرگ سازماندهی شده و برای هر یک از آنها وظایفی ساده و اقداماتی ارزان قیمت تعریف می شود که می توانند آنها را بصورت پاره وقت انجام دهند. مجموعه همه فعالیتهای ساده افراد، دسته ها و گروه ها، به صورت یکپارچه و هماهنگ با یکدیگر جمع شده و باعث افزایش خطای تسلیحات مدرن می شوند.

جنگ های مدرن

اتحادیه ناتو مجهز به پیشرفته ترین تسلیحات نظامی در تاریخ بشر و عامل اصلی شکل گیری جنگهای مدرن است. میانگین زمان جنگهای مدرن حدود چهار هفته می باشد. مهمترین جنگهای اتحادیه ناتو ظرف ۲۰ سال گذشته عبارتند از:

- سال ۱۹۹۱ عراق
- سال ۱۹۹۵ یوگوسلاوی
- سال ۱۹۹۹ کوزوو
- سال ۲۰۰۲ افغانستان
- سال ۲۰۰۳ عراق

تهدیدات مدرن

چرا میانگین زمان جنگهای مدرن چهار هفته است؟

اکثر ما مردم وقتی به تهدیدات جنگ می‌اندیشیم، بیش از هر چیزی به تعداد کشته‌ها و به ویژه آمار تلفات مردم غیرنظامی اهمیت می‌دهیم. اما آمارها نشان می‌دهند که در جنگهای مدرن در مقایسه با جنگهای دیگر، تلفات غیرنظامی به شدت کاهش یافته است. در واقع اتحادیه ناتو تلاش می‌کند که با استفاده از مهمات دقیق، فقط اهداف از قبل تعریف شده را مورد اصابت قرار دهد. این موضوع به معنی احترام متجاوزین به جان مردم کشور نیست بلکه صرفاً جنبه اقتصادی دارد. اتحادیه ناتو می‌خواهد با حداقل تعداد حملات هوایی به حداکثر میزان موفقیت دست یابد.

در نتیجه علی‌رغم اینکه تلفات نیروهای نظامی و مردم غیرنظامی یک خسارت بسیار بزرگ محسوب می‌شود اما مهمترین تهدیدات جنگهای مدرن، انهدام سیستمهای حیاتی کشور است.^{۲۶} تا کنون همه جنگهای مدرن با تهاجم هوایی شدید و دقیق به سیستمهای حیاتی کشورها آغاز شده‌اند. سیستم‌های حیاتی کشور^{۲۷} و نقاط گلوگاهی آنها که هدف قرار گرفته عبارتند از:

- هشدار اولیه، شامل رادارهای مراقبتی
- سوخت، شامل برجهای تقطیر پالایشگاههای نفت و انبارهای فرآورده
- برق، شامل ژنراتورها و پستهای توزیع قدرت،
- حمل و نقل زمینی، شامل نقاط گره شبکه حمل و نقل جاده‌ای و ریلی و پلها،
- حمل و نقل هوایی، شامل باندهای فرودگاهی، مخازن سوخت هواپیما و مراکز سرویس و تعمیر
- ارتباطات و اطلاعاتی، شامل آنتن‌ها و مراکز مخابراتی، رادیویی و تلویزیونی
- مدیریت دولتی، شامل وزارتخانه‌ها و مراکز مدیریت دولتی

پیامدهای وقوع تهدید مدرن

انهدام سیستمهای حیاتی یک کشور، آسیبهای روانی و فیزیکی شدیدی ایجاد می‌کند که به سرعت باعث فروپاشی مقاومت مردم، دولت و ارتش می‌شود. بدون برق، سوخت، مخابرات و حمل و نقل، جریان اقتصاد، صنعت و خدمات شهری و مدیریت یک کشور متوقف می‌شود.

^{۲۶} نویسنده معتقد است که حفاظت از سلامتی مردم، یکی از ارکان برنامه‌های پدافند غیر عامل است. این موضوع در برنامه‌های مدیریت بحران شهری به صورت پناهگاه، امداد و نجات، هشدار، فرار، تخلیه و واکنش‌های اضطراری و آموزش‌های مربوطه پیش‌بینی می‌شوند. مسئولیت مدیریت بحران‌های شهری با استانداری‌ها و شهرداری‌های کشور است.

^{۲۷} در این مرحله، دشمن به فعالیتهای حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و هوایی، تامین برق، تامین سوخت، مخابرات و ارتباطات، رهبری ملی، فرماندهی نظامی، مدیریت دولتی، دفاع هوایی و تامین تسلیحات و مهمات تهاجم می‌کند. البته سیستمهای حیاتی کشور شامل دفاع هوایی، دفاع ضد هوایی، صنایع مهمات‌سازی، سکویهای ثابت و متحرک موشک‌های دوربرد و مراکز فرماندهی و کنترل نظامی نیز هستند، اما در این کتاب فقط بر مواردی تاکید می‌شود که مستقیماً به دفاع غیرنظامی مرتبط باشند.